



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Qajar Khavar Divan and its style features

Z. Madahi, H. Azarpayvand*, S. Khairkhah

Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 February 2021

Reviewed: 10 March 2021

Revised: 20 March 2021

Accepted: 03 April 2021

KEYWORDS

Qajar East, stylistic features, Hafez, lamentation.

*Corresponding Author

✉ hossein_azarpayvand@yahoo.com

☎ (+98 31) 55540055

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The Eastern Qajar Divan is one of the most precious stones of the 13th century. Unique copies of this poet's divan are available in the Library of the National Assembly, the Golestan Museum Palace, Astan Quds and the Malek National Library. The purpose of this research is to analyze the style and content of this poet's divan from three perspectives: intellectual, linguistic and literary.

METHODOLOGY: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: Qajar East is one of the poets of the return period. He has followed Hafez in composing poems. In his divan, in addition to poems, lyric poems and quatrains, he has lamented and lamented the Ahl al-Bayt, especially Imam Hussein.

CONCLUSION: One of the poetic features of this poet is the poetic use of novel industries in the field of novel verbal and spiritual. Of which; Repetition in the realm of rhetoric and my imagination in the realm of spiritual novelty; Allowed among the imaginary; They are the most frequent literary arrays. Another feature of this manuscript is the use of current lines, so that a large part of the poems of the court are dead. The variety of poetic forms in the poems of this poet has caused a variety of concepts, so concepts such as; Religious and moral thoughts, love, description of beloved states, description of beloved, mysticism, praise of the Prophet, Shiite Imams and Fath Ali Shah Qajar can be seen in his poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.6163](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.6163)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 7	 1

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

دیوان خاور قاجار و ویژگیهای سبک او

زهرا مداحی، حسین آذرپیوند*، سعید خیرخواه

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: دیوان خاور قاجار یکی از آثار گرانسنگ قرن سیزدهم است. نسخه‌های منحصر بفرد دیوان این شاعر در کتابخانه مجلس شورای ملی، کاخ موزه گلستان، آستان قدس و کتابخانه ملی ملک موجود است. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل سبکی و محتوایی دیوان این شاعر از سه منظر فکری، زبانی و ادبی است.

روش مطالعه: این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: خاور قاجار یکی از شاعران دوره بازگشت است. در سرودن اشعار از حافظ پیروی کرده است. وی در دیوانی که از خود بر جای گذاشته است، علاوه بر قصاید، غزلیات و رباعیات، به مرثیه و نوحه‌سرایی اهل بیت مخصوصاً امام حسین پرداخته است. این منظومه دارای ابیاتی سست و سرشار از ایرادهای لفظی و معنوی است.

نتیجه‌گیری: از جمله ویژگیهای شعری این شاعر، استفاده فراوان از صنایع بدیعی در حوزه بدیع لفظی و معنوی است که از این میان تکرار در حوزه بدیع لفظی و ابهام در حوزه بدیع معنوی، و مجاز در حوزه بیان، پرسامدترین آرایه‌های ادبی هستند. از دیگر ویژگیهای این نسخه خطی بکارگیری ردیفهای فعلی است به گونه‌ای که بخش زیادی از اشعار دیوان، مردف هستند. تنوع قالبهای شعری در اشعار این شاعر باعث تنوع مفاهیم شده است؛ لذا مفاهیمی چون اندیشه‌های دینی و اخلاقی، عشق، توصیف حالات معشوق، وصف معشوق، عرفان، مدح و ستایش پیامبر، امامان شیعه و فتحعلی شاه قاجار در اشعار او دیده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۸ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۰ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۳۰ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین

کلمات کلیدی:

خاور قاجار، ویژگیهای سبکی، حافظ، نوحه‌سرایی.

* نویسنده مسئول:

hossein_azarpeyvand@yahoo.com

۵۵۵۴۰۰۵۵ (۹۸ ۳۱) +

مقدمه

تحلیل زبانی و محتوایی متن بدون فراهم آوردن نسخه‌ای منقح و پیراسته بیهوده است. بر این اساس تصحیح متون کهن، اهمیت و ضرورت دارد و در حقیقت یکی از راههای شناخت پیشینه فرهنگی، فکری، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار آنها است.

در نیمه دوم قرن دوازدهم، تنی چند از شاعران به فکر پیروی از اسلوبهای کهن شعر فارسی افتادند و این طرز را در شعر «شیوه متقدمین» یا «طرز قدما» خواندند. خاور قاجار از جمله آنهاست و با بررسی، معرفی و تحلیل اشعار او میتوان کارنامه شعر دوره بازگشت را پررنگتر کرد. وی با تسلط و توانایی خود توانست اشعاری نغز در مراثی اهل بیت بسراید. همچنین غزلیات زیبایی سروده است که هر یک در جای خود از ارزش ادبی و بار معنایی ویژه‌ای برخوردار است. این غزلهای ناب و نیز فراوانی نوحه و مرثیه در دیوان او، جایگاه والای وی را در این دوره نشان میدهد. نگارنده در این مقاله به بررسی نسخ دیوان شعر این شاعر عصر قاجار پرداخته است. همچنین به پاسخ این سؤال که ویژگیهای زبانی، ادبی و محتوایی شعر خاور قاجار در چیست؟ پرداخته شده است.

ضرورت و سابقه پژوهش

نسخ خطی حاوی اطلاعات تاریخی، ادبی و لغوی ارزشمندی برای پژوهشگران است. از سویی دیگر، یکی از دریچه‌های رسیدن به تکامل و پیشرفت در هر جامعه، در گرو شناخت و آگاهی از پیشینه فرهنگی و ادیبان آن جامعه است و این امر مهم با تصحیح و بازخوانی و بررسی آثار گذشتگان امکان پذیر است. تا کنون هیچ کار تحقیقاتی از لحاظ تصحیح و تحلیل یا مقاله درباره دیوان خاور صورت نگرفته است.

روش مطالعه

دیوانهای شعری شاعران بخشی از میراث ادبی ما محسوب میشود که آشنایی با آنها روزه‌ای برای شناخت ساختار ادبی، اجتماعی و حتی سیاسی روزگار آنهاست. اشعاری که ما را با گذشته ادبی و تحولات زبانی سرزمینمان بیش از پیش آشنا میسازد. آثار شاعران دوره بازگشت و از آن میان خاور قاجار بعنوان شاعری ناشناخته از آن جمله است. اهمیت چنین موضوعی در فرهنگ ایرانی، و زبان و ادب فارسی نگارنده را بر آن داشت که به بررسی ویژگیهای سبکی و محتوایی این شاعر گمنام بپردازد.

بحث و بررسی

معرفی خاور قاجار

شاهزاده حیدر قلی میرزا- خاور قاجار- فرزند فتحعلیشاه قاجار، متولد ۱۲۱۴ ق. و حاکم گلپایگان و حدود آن بود. خاور را میتوان یکی از شاعران دوره بازگشت دانست. چنانکه از اشعارش پیداست از حافظ پیروی کرده است. دیوان وی مشتمل است بر ۴۵۷ غزل، ۸۵ رباعی، ۱۴ مثنوی، ۷ قطعه، ۱ مخمس، ۱ مربع، ۲ قصیده و ۲۷ نوحه که به مرثیه و نوحه‌سرایی اهل بیت مخصوصاً امام حسین پرداخته است. از خصوصیات بارز و قابل تأمل دیوان وی، باید به روان بودن ابیات و پرهیز از واژه‌های سخت و دشوار، درعین حال پرمعنی و پخته، و استفاده از قوافی آشنا و ساده اشاره کرد. از دیوان وی چهار نسخه خطی موجود است که به ترتیب عبارتند از:

(۱) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ثبت ۹۸۰ و خط نستعلیق شکسته

- ۲) نسخه خطی کاخ موزه گلستان با شماره ثبت ۵۴۶ و خط نستعلیق و با نام دیوان خاوری
۳) نسخه خطی کتابخانه آستان قدس با ثبت ۴۶۵۲ و خط نستعلیق و با نام دیوان خاوری
۴) نسخه خطی کتابخانه ملی ملک با شماره ثبت ۴۷۳۶

معرفی نسخ خطی دیوان خاور قاجار

نسخه مجلس شورای اسلامی: این نسخه که نسبت به دیگر نسخ کاملتر بود با خط شکسته نستعلیق نوشته شده و ۱۴۰ برگ داشت. آغاز دیوان با متنی فنی و زیبا در تحمیدیه بدین شرح آغاز میگردد: «ترصیع هر سخن، سخن از سپاس خداوندیست که بیواسطه دخیلی نظم موجودات را تأسیس ازوست و توشیح هر کلام، کلام از ستایش صانع است که بی معاونت و کیلی جنس مخلوقات را تجنیس ازو مبدعی که ذوات را نسبت تفریق داد و صفات را صورت تنسیق بخشید؛ ابروی دلبران را رشک هلال ساخت و نرگس مهوشان را سحر حلال آموخت و عندلیب زبان را در بوستان و ما امیروا الا لیعبدوا الله مخلصین دستانسرای قَبَارَکَ اللهُ أَحْسَنُ الخالقین گردانید و شهباز عقل را از آشیان اَوَّلَ ما خَلَقَ اللهُ بال گشای ساحت اَوَّلَم یَنْظُرُوا فی مَلْکُوتِ السَّمَوَاتِ و الأَرْض فرمود. سینۀ عارفان را مطلع انوار معرفت ساخت و دل مشتاقان را محل نظر رحمت. گاه از هیچ، لعبتی آراست که اینک سلطانِ ملکِ دل و گاه بر آب صورتی بنگاشت که اینک خسرو کشور جان. در هر سر ازو شوربست و در هر دیده ازو نوری. شمع جمالش در انجمن قدرت افروخته و سیمرغ بصیرت در هوایش پروانه صفت پر سوخته. نه دست فکرت به دامن علوش رسد و نه پای وهم به ساحت جلالش راه یابد». پس از حمد باری تعالی، به مدح حضرت محمد پرداخته و ثنای فتحعلی-شاه میگوید.

نسخه کاخ موزه گلستان: نام این دیوان در کاخ گلستان با عنوان «دیوان خاوری» با شماره ۵۴۶ ثبت شده است؛ با قطع وزیری و متن نستعلیق. سرآغاز دیوان همانند نسخه مجلس، با تحمیدیه است و پس از آن، دو قصیده و مراثی و نوحه‌ها و سپس غزلیات و رباعیات در ۳۰۳ صفحه است که صفحات آن بصورت نامرتب و بهم‌ریخته قرار گرفته‌اند که به احتمال قریب به یقین، خطای صحاف نسخه است.

نسخه کتابخانه آستان قدس: نسخه با حمد پروردگار و مدح رسول اکرم آغاز میشود. پس از حمد غزلیات با خط نستعلیق و در ۱۱۱ برگ نوشته شده است؛ قصاید، مثنوی و رباعیات به ترتیب پس از آن نوشته شده است. تعداد صفحات این نسخه ۲۲۶ صفحه است.

نسخه کتابخانه ملی ملک: این نسخه نیز مانند نسخ دیگر این دیوان با خط نستعلیق و در ۱۳۶ برگ نوشته شده است و پس از تحمیدیه، قصاید سپس نوحه‌ها، مراثی، غزلیات و رباعیات نوشته شده‌اند. وجه تمایز این اثر نسبت به دیگر نسخ این است که در سمت چپ پایین هر ورق، اولین کلمه «ورق بعد» ذکر شده است.

ویژگیهای سبکی نسخه خاور قاجار

سطح فکری

دوره بازگشت ادبی، در تاریخ ادبیات ایران از نیمه دوم قرن دوازدهم تا پیدایش ادبیات مشروطه در اوایل قرن چهاردهم است. خاور قاجار از شاعران این دوره است. «شاعران این دوره از نظر فکری، سعی در بیان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده و افکار حافظ و سعدی در غزل را داشتند» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۳۰۶). این شاعران حتی‌المقدور از مسائل روز استفاده نمیکردند تا هرچه بیشتر به اسلوب قدما شبیه باشند. «به

همین خاطر در زبان و فکر شعری محدوده خاصی داشتند. این طرز تفکر تا چند دهه قبل هم مرسوم بود و مثلاً میپنداشتند که هر واژه‌ای را نمیتوان در شعر بکار برد یا هر موضوعی را نباید موضوع شعر قرار داد» (همان: ص ۳۰۶).

خاور قاجار نیز بتبع همعصران خویش، تنها از باورداشت و علایق شاعران قدیم بدون هیچ ارتباطی با زمانه خود تقلید کرده است. عشق، فراق، توصیف حالات عاشقانه، عرفان تقلیدی، تفکر دینی و اخلاقی، مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص)، امامان شیعه بخصوص امام حسین و فتحعلی‌شاه در اشعار او نمود خاصی دارد.

اندیشه‌های مذهبی

دقت در اشعار و نوحه‌های خاور قاجار، بیانگر پایبندی به تعالیم و تفکرات دینی مذهبی این شاعر است. مضامین نوحه‌های این شاعر همان مضامین تکراری مرسوم در عصر شاعر بوده است. مذهب و دوستداری ائمه اطهار بویژه امام حسین (ع) در اشعار خاور قاجار برجستگی خاصی دارد. چنانچه شاعر با بیان نوحه، قصد القای تفکر مذهبی خاص خود را دارد و با ذکر مکانهایی چون کربلا و شخصیت‌های برجسته دینی چون «پیامبر، حضرت علی، امام حسن، امام حسین، حضرت فاطمه و زینب و همچنین شخصیت‌های منفور دینی چون شمر، عمر و یزید» گویی قصد بازآفرینی وقایع کربلا را دارد. و با بکار بردن واژه‌ها و ردیف‌هایی چون «واویلا، قربانت، امروز است، وای حسن» سعی در جوشش و غلیان احساسات در مخاطب دارد.

خسرو کشور غم وای حسن وای حسن (۲۹)	کشته زهر ستم وای حسن وای حسن
گردد میان گشتگان گوید سکینه با فغان (۱۹)	از کینه مروانیان برسرزنان نوحه کنان
منت حیران و حیران و حیران (۱۹)	پدر قربان و قربان و قربان
سر بر فراز نیزه‌ها واویلا (۱۷)	تن مانده در دشت بلا واویلا
مگر خونریزی اولاد پیغمبر ثوابستی (۲۰)	سرت ببریده شد بابا چه ظلم بی حسابستی
ماتم سبط نبی سرور دین است دگر (۲۳)	دوستان زلزله در عرش برینست دگر

اندیشه‌های اخلاقی

آنچه خاور قاجار در باب اخلاقیات ذکر میکند، همسو با عقاید حافظ و سنایی است. بطور کلی اصول عقاید اخلاقی و تربیتی خاور قاجار را میتوان در مواردی چون «ناپایداری جهان، حقیقت‌جویی و دوری از ریا، پندپذیری، بلندنظری و وسعت دید در طریق معرفت، آزادگی و وارستگی، دوستی، رضا و خشنودی، صبر، دوری از کبر و غرور، نکوهش حسد، و دوری از ملامت» خلاصه کرد.

تا ملامت نکند عاشق شیدایی (۴۰)	کاش کفر سر زلفت نگرد زاهد شهر
گذشتن از همه کس خوشتر آشنایت را (۴۰)	گذشتم از دل و جان، خواستم رضایت را
مطرب غزلی بخوان به آهنگ رباب (۴۱)	ساقی شب آدینه بده، باده ناب
می نوش و میندیش هم از روی حساب (۲۴۷)	از طاعت ما و تو خدا مستغنی است
زنار ز کف چو سبحة دادم بستم (۲۵۷)	از قید ریا و زهد و زاهد رستم
به جور بیحدت ای مه مقابل افتاده است (۵۸)	وفا نگر که به راه غم تو صبرم باز

عشق

عشق در دیوان خاور قاجار از برجسته‌ترین مضامین است و بخش زیادی از اشعار به آن اختصاص داده شده است. این عشق بیشتر در قالب عشق مجازی و زمینی بکار رفته است و از این نظر همسو با عشق در دیوان حافظ و غزلیات سعدی است. میتوان گفت عشق نوعی احساس عمیق و خوشایند و نامحدودی است که معمولاً بر حول موضوع زیبایی میچرخد. این زیبایی هم میتواند زیبایی ظاهری باشد و هم معنوی. در حقیقت خاور قاجار از عشق مجازی یا جسمانی مانند پلکانی یاد کرده است که انسان را از پایین به بالا میبرد و به وصال معشوق حقیقی می‌رساند. از اینرو در اشعار این شاعر معشوق زمینی ارزش والایی دارد. این معشوق گاهی تندخو و بیوفاست و این عاشق است که ناز معشوق را میخرد و دشواریهای راه عشق را با جان و دل میپذیرد.

از عشق سرشته شد گل ما	از عشق فتاده مشکل ما (۳۴)
در غم عشق تو ای شوخ جفا جو آخر	کرد رسوای جهان زردی رخسار مرا (۴۰)
شهید عشقم و از خون مشویدم که در محشر	شود بر بیگناهی جسم خونینم گواه آنجا (۴۱)
کاری که آید به کار عشق است	سرمایه اعتبار عشق است (۵۱)
به من که دل ز تف عشق یار در سوز است	چه سوزد از اینکه بگویند عید نوروز است (۵۷)
به دل از عشق توام باز هزاران شرر است	چو توان کرد دلت از دل من بیخبر است (۶۵)
جان سپردم به ره عشق نکویان به عبث	نیکوان بازنگشتند و بشد جان به عبث (۸۴)

مدح و ستایش

خاور قاجار در دیباچه دیوان خود پس از سپاس و ستایش خداوند و خاتم رسالت، سلطان سریر ولایت، پیامبر اکرم (ص)، به منقبت فتحعلی‌شاه قاجار پرداخته است و دو قصیده نیز در مدح پدرش دارد. در بسیاری از قسمتهای دیوان خود از فتحعلی‌شاه قاجار و بزرگیهای وی یاد کرده است.

شهی که در صف میدان کارزار اجل	ز آب خنجر او سرزند چو نیلوفر
دارای دهر فتحعلی‌شه که عدل او	هر جا که بود خانه ظلمی خراب کرد

(دیوان خاور قاجار: صص ۴ و ۹۱)

همچنین وی در دیباچه دیوان به مدح و ستایش خود پرداخته است و در بسیاری از غزلیات خود، واژه خاور را بعنوان تخلص شعری برگزیده است.

ملک‌زاده عادل اعظم، و داور دریادل افخم، خسرو منصور مظفر حیدر قلی میرزا، متخلص به خاور رَفَعَ اللهُ أَلْوِيَه اجلاله بین الأنام و آیده الله بنصره القويم الی قیام القیام که حلقه بندگیش زیور هر گوش است و تحفه ثنایش دستخوش هر هوشیار و مدهوش انعامش عام و احسانش به تمام؛ بختش یار و طالعش فیروز؛ اقبالش یاور و اخترش عالم‌افروز؛ شکر اعطافش ورد مالکان کشور انس است، و وصف انصافش ذکر مسبحان عالم قدس، پایه طبع منیعش را ارکان نظم، این خجسته دیوان برهانی است قاطع (همان: ص ۵).

ز جان گذشت چو خاور به وصل دوست رسید	تویی هنوز گرفتار جسم و جان ای شیخ (۸۹)
چندان گریست دیده که خاور به شام هجر	یک دم امان نیافت که خاکی به سر کند (۱۰۳)

این شاعر نوحه‌سرا در بسیاری از نوحه‌های خود به مدح و ستایش امامان و ائمه اطهار نیز پرداخته است.

یا محمد یک زمان در کربلا باز بنگر ما غریبان را بین (۲۵)
ای گوهر بحر شرف ای خفته در خاک نجف بیرون نیاری ز آستین دست یداللهی، چرا (۲۴)
خیرالنسا با شور و شین برسرزنان با حور و عین گوید دمادم بر حسین این ظلم کی باشد روا (۲۴)

عرفان

عرفان و ادبیات دو مقوله جدا هستند، ولی اشتراکات بسیاری با هم دارند؛ چراکه بهترین محل ظهور و بروز عرفان در ادبیات بوده است. «در عصر زند و قاجار، مقارن با سبک بازگشت ادبی، عرفان و تصوف به سرازیری افول و انحطاط وارد شد؛ چنانکه شفیعی کدکنی در این باره مینویسد: «تصوف این دوره، پیش از مشروطه نیز تکرار است. در حقیقت، هیچ یک از صوفیة این دوره به یک لحظه صوفیانه جدیدی نرسیده‌اند، حال آنکه تصوف، حوزه تجربه‌های تازه در زبان و اندیشه است» (ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی: ص ۲۵).

خاور قاجار در عرفان خود نیز سعی کرده از حافظ پیروی کند. بنابراین عرفان این شاعر، عرفانی تقلیدی است که همواره شاعر سعی بر آن داشته است که لغات و مصطلحات حافظ را عیناً تکرار کند. اصطلاحات عرفانی چون زلف، زنار، تسبیح، خال، لب، بت، ترسایچه، پیر مغان و... . شاعر حتی بتبع حافظ از زهد حاصل از ریا بیزار است. در حقیقت نوعی عدم اصالت زبان در عرفان خاور قاجار دیده میشود که آن هم تحت نهضت بازگشت ادبی است که اندیشه تقلید از قدما حتی در عرفان، در اشعار شاعران این دوره رسوخ پیدا کرد.

میزنم لاف انا الحق به جهان فاش امروز
زاهد به ره کعبه و ما در ره دیریم
بر خال لب و چین سر زلف تو آخر
من چرا بت نپرستم که بتم از سر زلف
زلف ترسایچه‌ای دیدم و در آخر عمر
تو و زهد و ریا سبجه و [یا] سجاده‌ای زاهد
همچو منصور مرا هم هوس داری هست (۵۹)
مقبول بر دوست ندانیم کدام است (۶۰)
مسکین دلم افتاد و ندانست که دام است (۶۰)
به سر دوش درآویخته زناری چند (۱۲۰)
سبجه‌ای دادم ز کف و در بر زنار شدم (۱۷۰)
که در محشر بود روز سیه خوش عذرخواه من (۱۸۸)

سطح زبانی

سطح زبانی به سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میشود: در میان این سه سطح به سطح آوایی دیوان خاور قاجار پرداخته میشود.

سطح آوایی

موسیقی شعر

شعر خود کلامی آهنگین و موسیقایی است که همراهی آن با موسیقی باعث تأثیرگذاری بیشتر آن میشود. «مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز میبخشد و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستخیز کلمه‌ها و تشخص واژه‌ها در زبان میشود، میتوان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عوامل شناخته‌شده و قابل تحلیلی دارد از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف، و جناس. همچنین

عوامل شناخته‌شده‌ای نیز دارد که فقط قابل حس شدن است و نمیتواند برای آنها قانونی کشف کرد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: صص ۸۰۷).

عوامل موسیقی‌ساز شعر عبارتند از: ۱- «ارزش موسیقایی حروف ۲- اهمیت تکیه ۳- کلمات زنگدار ۴- تکرار کلمه ۵- تکرار جمله ۶- قافیه ۷- ردیف ۸ کلمات زائد ۹- ادات ایقاعی ۱۰- تأثیر محتوا در چگونگی وزن ۱۱- مناسبت، موازنه، تسمیط» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ص ۲۴۰).

موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی همان وزن عروضی است که بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها ایجاد میشود. بنا بر باور شفیعی کدکنی وزن‌ها به دو گروه خیزابی و جویباری تقسیم میشوند. وزنهای خیزابی «وزنهای تند و محرکی هستند که اغلب نظام عروضی در آنها طوری است که در مقطع خاصی نیاز به تکرار در ذهن دارد و غالباً از رکنهای سالم و مزاحفی تشکیل شده که حالت ترجیع یا دور در آن احساس میشود (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۹۳). وزنهای جویباری «نظام ترکیب ایقاع خاصی دارد که با همهٔ زیبایی و مطبوعی، نیاز به تکرار در آنها احساس نمیشود» (همان: ص ۳۹۵).

خاور قاجار بیشتر از اوزان جویباری در اشعارش استفاده کرده است. بسامد اوزان خیزابی در نوحه‌های او بسیار مشهود است.

در دیوان خاور قاجار ۴۵۷ غزل، دو قصیده، ۱۴ مثنوی، ۱۹ ترکیب‌بند و ترجیع‌بند، ۷ قطعه، ۸۵ رباعی، یک مربع، یک مخمس و یک مستزاد وجود دارد. شاعر در تمام دیوان از ۸ بحر و ۳۳ وزن استفاده کرده است. در میان اوزان استفاده‌شده در دیوان خاور قاجار، بحر هزج بیشترین کاربرد را دارد. علاوه بر اینکه بسامد بالایی از غزلها در بحر هزج سروده شده است. تمام رباعیهای موجود در دیوان او نیز در بحر هزج سروده شده است. این بحر برای بیان مضامینی چون عشق و جوانی بکار میرود. بعد از بحر هزج، بحر رمل نیز کاربرد فراوانی در دیوان او دارد. به گونه‌ای که علاوه بر تعداد زیادی از غزلیات، تمام قالبهای مثنوی موجود در دیوان نیز به بحر رمل سروده شده‌اند. بحر رمل برای مضامینی چون پند و اندرز مناسب است.

جدول اوزان پرکاربرد مورد استفاده در دیوان خاور قاجار

تعداد	بحر و وزن	قالب
۴۵۷	هزج مسدس محذوف هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف هزج مثنیٰ مخبون محذوف	غزل
	رمل مسدس محذوف رمل مثنیٰ مخبون محذوف مجتث اُخرب مکفوف محذوف مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور سریع مقطوع حشو منسرح مثنیٰ مطوی مخبون	غزل

۱۴	رمل مسدس سالم رمل مسدس محذوف	مثنوی
۷	هزج مسدس مثنم سالم خفیف مخبون محذوف مجثت مخبون محذوف	قطعات
۸۵	هزج مثنم اخرج مکفوف محذوف هزج مثنم اخرج مکفوف	رباعی
۱	مضارع مثنم اخرج مکفوف محذوف	مربع
۱	هزج مثنم اخرج مکفوف محذوف	مخمس

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

یکی از جلوه‌های موسیقی در شعر، موسیقی کناری است که نقش پررنگ و مؤثری در بالا بردن جنبه موسیقایی شعر و برانگیختن عواطف و احساسات خواننده دارد» (نگاهی دیگر به موسیقی شعر، فیاض‌منش: ص ۱۸۰). درمورد اهمیت و تأثیر قافیه و ردیف بر شعر فواید بسیاری از سوی ادیبان و ناقدان ذکر شده است که بنظر میرسد نقش موسیقایی آنها بهتر و مهمتر از دیگر نقشها است. «نغمه و آهنگ حاصل از تکرار الفاظ هماهنگ، همگون یا همسان قافیه و ردیف، لذتی به آدمی میبخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ای دریافت میکنیم» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ص ۸۳).

قافیه

هرچه تعداد صامتها و مصوتهای واژگان قافیه یکسانتر باشد، قافیه به همان اندازه دلنشینتر و آهنگینتر میشود و ارزش موسیقایی آن نیز بیشتر میشود. در بسیاری از سروده‌های خاور قاجار، قافیه‌ای که استفاده شده است، در خدمت مفهوم و مضمون شعر است و بیشترین بسامد در دیوان این شاعر اختصاص به قافیه‌های اسمی دارد. در دیوان او عیوب قافیه بندرت دیده میشود. سهولت و روانی از دیگر خصوصیات قافیه در دیوان این شاعر است.

جای در ویرانه می‌خواهد دلم
مونس دیوانه می‌خواهد دلم
در کشور حسن بینظیرم
در بردن دل بسی دلیرم
ساقی به وقت صبح خدا را شتاب کن
ساز صوب ساز و قدح پر شراب کن
(دیوان خاور قاجار: ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰)

ردیف

در هیچ زبانی به اندازه زبان فارسی از ردیف استفاده نشده است. «به گفته کارشناسان از مهمترین عوامل پیدایش ردیف در شعر فارسی وجود فعل ربطی در این زبان است» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۱۷۰). «در حقیقت ردیف را باید یکی از نعمتهای بزرگ شعر فارسی دانست، در صورتیکه برای همان معانی و احساسات شاعر نباشد. زیرا از جهات موسیقی و کمک به تداعیهای شاعر و از نظر ترکیبات و مجازهای بدیع در زبان به شعر زیبایی و اهمیت میبخشد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۱۴۲).

معمولاً قوافی در اشعار خاور قاجار مردف هستند. خاور قاجار در بهره‌گیری از ردیفها بسیار دقیق عمل کرده است. او در اشعار خود از بکارگیری ردیفهای مشکل و کم‌کاربرد خودداری کرده است و بیشترین ردیفهای او فعلی هستند.

بسامد ردیف در اشعار خاور قاجار

قالب	تعداد	مردف	درصد اشعار مردف
غزل	۴۵۷	۳۲۱	۰.۷۰
رباعی	۸۵	۳۴	۰.۴۰
قطعه	۷	۲	۰.۲۹
قصیده	۲	۱	۰.۵۰
ترکیب‌بند، ترجیع‌بند	۱۹	۱۱	۰.۵۷

بنیان ردیف نیز در این اثر بر الفاظ و افعال ساده استوار است. فعل ربطی «است» و مشتقات آن با ۷۰ مورد و از میان ضمائر «ما» / اسامی «امشب» / حروف «را» در جایگاه ردیف، بالاترین بسامد را دارا هستند.

نوع ردیف	کل قالبهای مردف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف ضمیر	ردیف حرف
تعداد	۵۸۴ از ۳۶۹	۳۶۹ از ۲۵۱	۴۱ از ۳۶۹	۴۲ از ۳۶۹	۳۵ از ۳۶۹
درصد	۰.۶۴	۰.۶۸	۰.۱۱	۱۱/۳۸	۹/۵

همانطور که از جدول بالا برمی‌آید، بسامد ردیف فعلی در اشعار خاور قاجار بیش از سایر انواع ردیف است. خاور قاجار بسیاری از اهداف معنایی و مفهومی شعر را با ردیفهای شعر بیان میکرده است و با کمک ردیفها بسط معنایی شعر را ایجاد کرده است.

الف) ردیف فعلی: شکست، فتاد، گذشت، کن، است، گرفت، رفت، میرسد، شد، کرد، نباشد، بود، نکرد، شود، باشد، نبرد، شکستند، کنند، کشید، می‌پسندد، می‌آید، نکرد، آمد، نشیند، کرد، کند، بکشد، بشکنند، میزند، نباشد، دارد، افتاد، میبرد، بندد، میگرد، آمد، کنند، نشود، نباشد، میخواهند، بود، هست، بست، ماست، نیست.

ب) ردیف اسمی: یزید، فاطمه، علی، حسینم، ذوالجناح، فلک، رضا، امشب، دوست، باد، وای حسین. واویلا، قربانت، عارض، غلط، دریغ، حیف، عشق، نبرد، دزد،

ج) ردیف ضمیر: چرا، ما، من، آنجا، خود، دیگران، تو، توام، خویشتن، او

د) ردیف حروف: راه، دگر، بیشتر، هنوز، ای، چند، هیچ، بایستی.

ه) ردیف ضمیر و حرف: مرا، ما، بر من، بی تو.

موسیقی درونی: جناس و سجع

«همانگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حروف دیگر، موسیقی خاصی را پدید می‌آورد که به آن موسیقی درونی گفته میشود» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۵۱). «جلوه‌های مختلف تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشد، در حوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار میگیرد»

(ردیف و موسیقی شعر، محسنی: صص ۱۱ و ۱۲). «موسیقی درونی در آرایه‌های مختلفی همچون جناسها، تکرار، سجع و موازنه دیده میشود» (تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی: ص ۶۳). تکرار پربسامدترین صنعت در موسیقی درونی اشعار خاور قاجار محسوب میشود و بعد از آن جناس بسامد بالایی دارد.

شواهدی برای ظهور موسیقی درونی در اشعار خاور قاجار

تکرار: تکرار در هشت صورت، شکل میگیرد؛ «۱» همحروفی که تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله است. ۲) همصدایی تکرار یا توزیع مصوت در کلمات است. ۳) تکرار هجا؛ معمولترین نوع آن تکرار ادات جمع است. ۴) تکرار واژه؛ تکرار واژه‌ها در بیت محسوب میشود. ۵) آرایه رد الصدر الی العجز. ۶) آرایه رد العجز الی الصدر. ۷) صنعت طرد العکس یا تبدیل و عکس. ۸) صنعت تشابه الاطراف؛ یکی از کلمات اواخر مصراع اول در اوایل مصراع دوم و یکی از کلمات مصراع دوم در اوایل مصراع سوم تکرار شود» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۷۷).

تکرار

نه بریدی نه پیامی نه امید وصلی	بسته از شش جهت خیل غم جانان راه (۸)
امروز در دشت بلا واویلا واویلا	نور دو چشم مصطفی واویلا صد واویلا (۱۷)
پدر قربان و قربان و قربان	منت حیران حیران حیران (۱۹)
بندم اگر ز بند عشقت جدا کنند	هر بند من جدا از غمت ناله‌ها کنند (۱۰۹)

ردالصدر الی العجز: اول و آخر بیت یکسان باشد.

خرم آن عید که هر لحظه جهان خرم از اوست	عالم خرمی عالم از اوست و خرمی (۷۹)
جان سپردم به ره عشق نکویان به عبث	نیکوان یار نگشتند و بشد جان به عبث (۸۴)
نه من ز دست خویش دادم این ناصح	که دید آن رخ زیبا که دل ز دست نداد (۹۶)
حساب می‌توان کرد کشتگان تو را	به روز حشر چه غم گر حساب میخواهند (۱۱۱)

رد العجز الی الصدر: کلمه آخر بیتی (عجز) در اول بیت بعد (صدر) تکرار شود.

ای خوشا عشق و خوشا آغاز عشق	ای خوشا جانی که شد دم‌ساز عشق
عشق جان و جمله عشاق تن	تن چه سان بی جان تواند زیستن (۲۱۷)

طردالعکس: مصراعی را به دو پاره تقسیم کنند و آن دو پاره را در مصراع دیگر برعکس تکرار کنند.

عالم به وجود اوست موجود	موجود به وجود او جهان است (۵۷)
از دم تیغ تو کس جان نبرد	جان ز تیغ تو کس آسان نبرد (۹۵)

جناس: آن است که گوینده یا نویسنده در سخن خود کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند. دو کلمه متجانس را دو رکن جناس میگوییم بر اساس هماهنگی‌هایی که از طریق وحدت، تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در شعر پدید می‌آید بر نه قسم تقسیم میشود. نمونه‌های بارز آن «جناس تام، ناقص، اشتقاق، شبه اشتقاق، مضارع و لاحق، قلب، مطرف، مکرر، مذیل، مرکب و مطرف» است. در اشعار خاور قاجار

پربسامدترین جناس، مذیل میباشد و بعد از آن جناس شبه اشتقاق، مضارع و مطرف در رتبه‌های بعدی قرار میگیرند.

جناس تام: «باز-باز» (۵۲)، «خشک-خشک» (۶۳)، «بیمار-بیمار» (۸۹).
 جناس شبه اشتقاق: «جفا-جور» (۴۵)، «توان-تاب» (۴۵)، «مهر-ماه» (۴۵)، «قیامت-قیام» (۵۹) «تاب-توان» (۱۵۴)، «کون-مکان» (۱۵۷).

جناس مضارع و لاحق: «یار-کار» (۴۵)، «رنگ-تنگ» (۶۰)، «تنگ-جنگ» (۷۶)، «خسته-بسته» (۲۱۸)، «روز-سوز» (۵۷)، «جفا-جدا» (۹۸)، «کم-غم» (۱۰۳)، «بیمار-بیزار» (۱۰۶)، «شاد-یاد» (۱۰۶)، «قال-قیل» (۱۴۱).

جناس مکرر: «زار-زار» (۲۱۶).

جناس مطرف: «روی-رود» (۴۶)، «خسته-خستن» (۵۰)، «همه-همی» (۱۴۴)، «تیر-تیغ» (۱۴۹)، «کار-کام» (۹۴)، «یار-یاد» (۹۶)، «نامه-نامی» (۱۲۱).

جناس مذیل: «تاب-تب» (۵۲)، «چشم-چشمه» (۴۷)، «ناز-نیاز» (۵۲)، «خواب-خوابیده» (۵۶)، «گناه-گنه» (۵۸)، «زور-زر» (۶۵)، «یار-یاور» (۶۶)، «نم-نمک» (۷۱)، «جان-جهان» (۷۸)، «پیمان-پیمان» (۸۱)، «جامه-جام» (۱۵۵)، «تار-تارتر» (۵۷)، «دوست-دست» (۵۸)، «نگاه-نگاهی» (۹۶)، «مه-مهر» (۱۰۸)، «مدعی-مدعا» (۱۱۲)، «صید-صیاد» (۱۱۴).

جناس خط: «زیر-زبر» (۱۱۵)، «ناز-باز» (۱۵۳)، «بتر-تیر» (۱۳۲).

سطح ادبی

موسیقی معنوی

کلمات با نخهای متعددی به هم پیوسته‌اند و این ارتباط و تناسبها، چه لفظی و چه معنایی، از پیوستگی میان واژه‌ها بوجود می‌آید و نوعی هماهنگی در یک شبکه منسجم هنری را به نمایش میگذارد. قلمرو حوزه معنوی شامل تمامی تقارنها، تشابهات و تضادها است که در حوزه امور معنایی و ذهنی قرار میگیرند. «به بیانی دیگر، همه ارتباطهای پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصراع، اجزای موسیقی معنوی آن اثر را تشکیل میدهد. بسیاری از صنایع معنوی بدیع مثل ایهام، مراعات نظیر، تضاد، تلمیح، حس آمیزی، ایهام و... در حوزه این موسیقی گنجانده میشود» (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: صص ۱۲ و ۱۳).

صنایع معنوی یکی از ارکان اساسی موسیقی معنوی است که بر جنبه شناختی یک اثر تأثیرگذار است. خاور قاجار با استفاده بجا از انواع صنایع معنوی نه تنها بر جنبه موسیقایی شعرش افزوده، که عاطفه و احساس نهفته در شعرش را به مخاطب منتقل میکند. در میان انواع صنایع معنوی، شاعر در پیروی از حافظ، علاقه وافری به استفاده از صنعت ایهام دارد.

شواهدی برای ظهور انواع صنایع معنوی در دیوان خاور قاجار

ایهام: کاربرد هنری ایهام موجب برجسته‌سازی کلام میشود. بسامد بالای این آرایه در دیوان خاور قاجار نشان‌دهنده علاقه این شاعر به بازی با گونه‌های متنوع این آرایه است. در غزلیات این شاعر به تقلید از غزلیات حافظ کاربرد هنری این صنعت برجسته است.

دوش کز درد فراق و غم ایام مرا بود آهی که همی سوخت از او خرمن ماه

گفتم امید تو ای دل به که باشد که به دهر
من و تو هر دو سیه‌روز و نداریم پناه
تا فلک بوسه زند خاک رخت را بشتاب
بوسه زن خاک در خسرو گردون‌خرگاه
(دیوان خاور قاجار: ص ۸)

ایهام تناسب: فقط یکی از دو معنی کلمه، در کلام حضور داشته باشد، اما معنی غایب با کلمه یا کلماتی از کلام رابطه و تناسب داشته باشد.

کام پروین ز شیرین شده شیرین ای عشق
تیشه جور چرا بر سر فرهاد رود (۱۱۴)

کلمه «شیرین» دارای دو معنی میباشد و با کلمه فرهاد تناسب دارد.

استخدام: لفظی دارای چند معنی است و آن را طوری در نظم و نثر بیاورند که با یک جمله معنی و با جمله دیگری معنی دیگر بدهد. یا از خود لفظ یک معنی و از ضمیری که به همان لفظ برمیگردد، معنی دیگر اراده کنند.

سروی که بود رسته ز بستان فاطمه
از تندباد کینه اهل جفا شکست (۱۱)
از نیزه کتف سرور دین زین عابدین
شمر از جفا شکست و دل مصطفی شکست (۱۱)
فعل جمله ایهام دارد و در ارتباط با مشبه یک معنی و در ارتباط با مشبه‌به معنی دیگری پیدا میکند. واژه «شکستن» در ارتباط با «سرو» یک معنی و در ارتباط با «کینه اهل جفا» معنی دیگری دارد. و در بیت دوم نیز واژه «شکستن» در ارتباط با «نیزه» یک معنی و در ارتباط با «کتف سرور دین» معنی دیگری پیدا میکند.

تلمیح: گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.

از خواص و زیباییهای تلمیح این است که به شعر عمق میبخشد و با ارجاع متن به ماجرای که خواننده از آن خبر دارد، ذهن او را با دانسته‌های پیشین درگیر میکند. تلمیحات بکاررفته در دیوان خاور قاجار برای بیان مفاهیم متعددی بکار رفته است. او حتی تلمیحات قرآنی را نیز در راستای مفاهیم موردنظر خود بکار میبرد. از جمله شخصیهایی که بصورت تلمیح به آن اشاره شده است، در تلمیحات اساطیری، تاریخی «اسکندر، رستم، شیرین، خسرو، فرهاد، لیلی، مجنون؛ در تلمیحات شخصیهایی دینی «حضرت علی، حضرت فاطمه، پیامبر (ص)، حضرت زینب، امام حسن، امام حسین، حضرت عباس، عیسی، یعقوب، خضر، نوح، یوسف، یعقوب، ایوب، و حضرت زین-العابدین» و در تلمیحات منفور دینی «یزید، عمر، شمر، معاویه، اباسفیان» هستند.

در دیوان خاور قاجار بالاترین بسامد تلمیح، مربوط به شخصیهایی دینی میباشد.

ای چرخ تاروپود وجودت گسسته باد
پشتت چو پشت عترت طه شکسته باد (۱۱)
به کسی می نتوان دید در ایام فراق
ای خوشا دیده یعقوب که نابینا بود (۱۲)
خاور ز پی خضر مرو کین ره عشق است
جز دل که تواند که کند راهنمایی (۲۰۱)
آنکه بندد کمر چو در گه رزم
لافتی تیغ و هل اتی سپر است (۶)

لف و نشر: لف به معنای درهم پیچیدن و لوله کردن است و نشر به معنای باز کردن و گستردن. شاعر یا نویسنده دو یا چند واژه را در بخشی از سخن مصراع یا بیتی بیاورد و در بخش بعدی سخن واژه‌های دیگری را که به نوعی با واژه‌های قبلی در ارتباط باشند، ذکر کند.

هرچه آید به فکر و دانش و وهم
هست او زیر و قدر او زیر است (۷)
آمد مهی که چرخ برین و زمین ز غم
این گشت خاک بر سر و آن نیلگون قبا (۱۰)

صور خیال

صور خیال در کنار عناصری همچون زبان، وزن، قالب و محتوا از بنیانها و پایه‌های اصلی شعر است. شاعر سخنور توانا با استفاده از اکسیر تخیل و با بهره‌گیری از صورتهای آن «مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه» واژه‌ها و ترکیباتی طلایی میسازد که مخاطبان را به شگفتی واداشته و غرق در لذت و زیبایی میکند. بررسی صور خیال در اشعار خاور قاجار، علاوه بر کشف و استخراج نوآوریها در زمینه تخیل و عناصر سازنده آن میتواند عواطف شاعر را نیز برای ما آشکار سازد. عواطف و احساسات افزون بر اینکه شرایط روحی شاعر را نشان میدهد، گویای میزان تعهد و مسئولیت او در قبال جامعه نیز است. با پی بردن به احساسات و عواطف موجود در شعر، میتوان دریافت که آیا شاعر به قول شفیعی کدکنی درگیر (من فردی یا رمانتیک) بوده است و یا عواطف او از جنس (من اجتماعی) یا همان (من مشترک) با دردها، رنجها، بیمها، و امیدهای مردم جامعه است» (روزنه‌ای خرد بر جهانی بزرگ، شفیعی کدکنی: ص ۸۲).

صور خیال در شعر خاور قاجار ترکیب‌گرا است. به گونه‌ای که صور خیال برگرفته از طبیعت را با رنگ‌وبویی در کنار هم قرار میدهد و تابلوهای خیال‌انگیزی را پدید می‌آورد. در حقیقت این شاعر امور و صور غیرقابل جمع در عالم طبیعت را با آشتی دادن تضادها و ازمیان برداشتن موانع در کنار هم قرار میدهد و تصویری بسیار زیبا پدید می‌آورد. مثلاً در این بیت:

پادشاه همه خوبان جهانی لیکن کشور دل ز جفای تو خراب است

(دیوان خاور قاجار: ص ۴۷)

خاور قاجار برای پروراندن مضمونی دل‌انگیز و عبرت‌آموز خوبها از واژه پادشاه استفاده میکند، به گونه‌ای که ذهن خوبها را پادشاه تصور میکند و کشور دل را جایی تصور میکند که مورد جفای پادشاه است. هنریترین صور خیال آنهایی هستند که در عین ملهم بودن از طبیعت و داشتن حالت ترکیبی بدیع و زیبا، در زمینه متنی مناسب، ظهور و با آرمانها تلفیق یابند و ذهن تأمل‌کننده را برای درک زیباییها به تلاش وادارند.

شواهدی برای ظهور صور خیال در اشعار خاور قاجار

الف) تشبیه

تشبیه صورت مخیل تصاویر در شعر است. «ساده‌ترین نوع تجربه خیال و بازتاب جهان محسوس در ذهن شاعر توسط تشبیهات حسی بیان میشود. جهان متن در تشبیهات حسی، بیرونیت و همگانیت است» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۳۰۶). اغلب تشبیهات دیوان خاور قاجار از نوع «محسوس به محسوس» است و مشبه به آنها اغلب برگرفته از عناصر طبیعت مانند «سرو، گل، خورشید، باران، آفتاب، ماه، بت، بهشت و جهنم» است. در حقیقت ارکان تشبیه در سخن خاور قاجار تازگی چندانی ندارد. همان وجه‌شبه‌های شناخته‌شده سنن ادبی را به مدد مشبه‌به‌های معهود بکار میبرد که همین عامل معهود و شناخته‌شده بودن، سبک شخصی خاصی را برای این شاعر خلق نمیکند. البته این ویژگی تقریباً در تمام سطوح و لایه‌های سخن وی دیده میشود. تشبیهات محسوس به معقول هم در منظومه دیده میشود، اما شمار تشبیهات معقول به محسوس و معقول به معقول در دیوان کمتر است.

محسوس به محسوس:

چو جام باده دل خسته‌ام پر از خونست / نداند از ستم یار یا ز گردونست (۶۵)

محسوس به معقول:

میزنم لاف انا الحق به جهان فاش امروز / همچو منصور مرا هم هوس داری هست (۵۹)
معقول به محسوس:

عارفان را راحت افزایش ولی / زاهدان را دشمن جان است عشق (۱۵۰)

معقول به معقول:

مقتدایی که بهر دشمن و دوست / مهر و قهرش چو جنت و سقر است (۶)

نوع تشبیه	حسی - حسی	حسی-عقلی	عقلی - حسی	عقلی-عقلی
درصد	.۴۴	.۳۲	.۱۶	.۸

تشبیهات شعر خاور قاجار از حیث ارکان و بر اساس فراوانی عبارتند از: تشبیهات بلیغ یا اضافی، مؤکد، مرسل، مجمل و مفصل.

تشبیه مرسل:

میرسد آن شه خوبان همه دلهاش ز پی / همچو شاهی که همی میرسد از پی سپهش (۱۵۰)

تشبیه مؤکد:

یادگار روی جانان است عشق / درد اما عین درمان است عشق (۱۵۰)

تشبیه مفصل:

گه ستاند جان و گه بخشد روان؛ گه گدا و گاه سلطان است عشق (۱۵۰)

تشبیه مجمل:

در باغ پرده از رخ چون گل فکنده ای / آتش به خرمن گل و بلبل فکنده ای (۱۹۷)

تشبیه بلیغ:

شب هجران عجب تار است گویی / ز بخت من سیاهی وام کرده است (۴۹)

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	مؤکد
درصد	.۲۴	.۱۲	.۸	.۳۵	.۲۱

نگاهی سطحی به ارکان تشبیهات دیوان قاجار و بسامد جدول بالا بیانگر این مسئله است که تشبیه مرسل و بعد از آن تشبیه بلیغ بسامد بالایی در این منظومه دارد.

ب) استعاره

استعاره رکن اساسی در خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف است. بعد از مجاز، استعاره از پرکاربردترین عنصر صور خیال در دیوان خاور قاجار محسوب میشود. در دیوان این شاعر استعاره مصرحه بیشترین بسامد را دارد. بیشتر استعاره‌های بکاررفته در این دیوان اغلب تکراری از مضامین استعاره‌های شاعران گذشته است و در این زمینه نوآوری در این منظومه دیده نمیشود. خاور قاجار در استفاده از استعاره‌ها از عناصری چون (ماه، سرو، لعل، کمان، بت، ساقی و... بهره برده است.

استعاره مصرحه: آنست که مشبه را از تشبیه حذف کنیم و تنها مشبه‌به را ذکر نماییم.

جدا ز لعل تو یک جرعه خورده‌ام امروز / فغان که میکشدم ز حمت خمار امشب (۴۷)

چنان چشید دلم لذت <u>خدنگ</u> تو	که تا قیامتش ای <u>مه</u> نمیروی از یاد (۹۶)
هر جا <u>صنمی</u> سبک عیان شد	غارتگر دل بلای جان شد (۹۴)
من چرا <u>بت</u> نپرستم که <u>بتم</u> از سر زلف	به سر دوش درآویخته زناری چند (۱۱۹)
چون کشی نام گناهم <u>میرای</u> ماه که من	کردم در ره عشقت ز وفا کاری چند (۱۱۹)
استعارهٔ مرشحه: آن است که به همراه مشبه‌به لوازم آن نیز ذکر شود و مناسبات آن نیز مقرون است.	
<u>مه</u> من برفکن امروز ز رخساره نقاب	منما <u>مهر درخشنده</u> نهان زیر سحاب (۴۷)
نرخ شکر به جهان یکسره ای دوست شکست	<u>شکرین لعل لبش</u> تا که به گفتار آید (۱۰۰)
رقص‌کنان سر ز خاک گر به درآرم رواست	بر سر خاکم گر آن <u>سرو</u> روان میرسد (۹۰)
آن <u>سرو</u> قد از نار به گلزار <u>خرامید</u>	در پیش قدمش <u>سرو چمن</u> پایه گل آمد (۱۲۳)

استعارهٔ مکنیه و تخیلیه: استعاره و زبان مجازی، مناسبترین و وسیعترین قلمرو برای بلندپروازیهای تخیل شاعر است که گفتار را از تنگنای زبان عرف و حقیقی خارج میکند و به عالم پر از شگفتی شعر وارد میکند. این زبان از زبان عادی نشئت میگیرد، تکامل مییابد و با تمهیدات هنری آراسته میشود. به گونه‌ای که چیزی میگوید و چیز دیگری را اراده میکند.

در استعارهٔ مکنیه و تخیلیه، مشبه‌به حذف و مشبه ذکر میشود، لکن مشبه‌به جای خود را به یکی یا چند تا از مناسبات یا اوصاف خود میدهد. استعارهٔ مکنیه و تخیلیه در حقیقت یکی هستند چون تخیل و کنایه از هم جدا نیستند. مثلاً در استعارهٔ دست روزگار، به آن قسمت که گوینده در ضمیر خود روزگار را به انسان تشبیه کرده است، استعارهٔ مکنیه میگویند و به آن قسمت که برای روزگار دستی فرض کرده یا خیال کرده، تخیلیه میگویند. استعارهٔ مکنیه در دیوان خاور قاجار هم بصورت اضافی (اضافهٔ استعاری) هم بصورت غیراضافی (بین مکنیه و تخیلیه) بکار رفته است. بسامد استفاده از این نوع استعاره در دیوان خاور قاجار بعد از استعارهٔ مصرحه و مرشحه است.

بسامد انواع استعاره در دیوان خاور قاجار

استعارهٔ مصرحه	استعارهٔ مرشحه	استعارهٔ مکنیه
۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۲۵

استعارهٔ مکنیه غیراضافی

نگهت زلف تو با باد صبا می آید	جان فدایش که عجب روح فرا می آید (۹۸)
آنچه مژگان تو با این سینهٔ مجروح کرد	خنجر اسکندری با پهلوی دارا نکرد (۹۹)
ای چرخ سینه ات هدف تیر آه باد	روزت چو روز آل پیامبر سیاه باد (۱۴)
روی هوا مشک بیز باد صبا مشک ساست	طرهٔ مشکین یار در کف باد صباست (۵۵)

استعاره مکنیه اضافی

«خانه صبرم» ۹۱؛ «تیغ جفا» ۹۲؛ «کام دل آسمان» ۹۵؛ «سر زلف» ۹۸؛ «درد هجران» ۹۸؛ «سر سودا» ۹۹؛
«رخ زلف» ۱۰۱؛ «خنجر ستم» ۱۰۳؛ «آتش هجر» ۱۰۴؛ «آه سحر» ۱۰۴؛ «کف جام» ۱۱۹؛ «کام دل» ۱۴۲؛
«دام زلف» ۱۴۳؛ «ملک دل» ۱۴۴؛ «جان جهان» ۱۵۴.

غیراضافی	اضافی	استعاره مکنیه
۱۶۰	۱۴۰	درصد

ج) کنایه

«جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود نداشته باشد. به الفاظ و معنای ظاهری مکنی به و به مقصود مکنی عنه میگویند» (معانی و بیان، تجلیل: ص ۸۴).

خاور قاجار از آنجایی که در سرودن اشعار مقلد خوبی از حافظ بوده است. کنایه‌ها در اشعار او جایگاه خاصی دارد. در حقیقت هر قدر توانایی زبانی و آگاهی شاعری از زبان بیشتر باشد و شاعر بیشتر به زندگی و باورداشتهای مردم توجه داشته باشد، به همان اندازه کنایه‌ها، مثلها و باورداشتهای مردم در شعر او جلوه‌های بیشتری دارد. بیشتر کنایه‌ها در دیوان او از نوع فعلی، قریب و ایما است.

آن دم جهان بر آل پیامبر سیاه شد
فریاد اهل بیت زماهی به ماه شد (۱۱)

ماهی به ماه؛ کنایه از عبور از پستی به بلندی؛ ایما

بهر ذخار و قلزم مواج
پیش دریای جود او شمر است (۷)

شمر بودن در برابر دریای جود یک نفر؛ کنایه از سخاوت یک نفر است. قریب و از نوع ایما

از سر قهر بر آشفتم و به من گفت چه گفت
گفت خاموش شو افسانه مخوان ژاژ مخواه (۸)

ژاژ مخواه؛ کنایه از بیهوده‌گویی مکن قریب و از نوع ایما

غزلهای خاور قاجار جلوه‌گاه انواع آرایه و تصاویر شعری است. خاور قاجار از کنایه برای آفرینش اشعار دلنشین خود بهره بسیاری برده است. بررسی کنایه در دیوان خاور قاجار نشان میدهد که او از کنایه قریب در شعر خود بسیار استفاده میکند؛ دلیل این امر، استفاده بیتکلف و ساده‌گویی در تصاویر شعری است. همچنین برخاسته از این علت است که شعر خاور قاجار به جای لفظ بر معنا تکیه دارد.

د) مجاز

«در ادبیات مرسوم است که واژه‌ها و جملات را در معنای اصلی بکار نبرند، اما اولاً باید قرینه‌ای به دست دهند تا مقصود آنان فهمیده شود و ثانیاً باید در معنای اولی (حقیقی) و ثانوی (مجازی) لغت، رابطه‌ای وجود داشته باشد. در علم بیان به این رابطه «علاقه» میگویند» معانی و بیان، شمیسا: ص ۲۲).

علاقه‌های مجاز (۱) علاقه کلیت و جزئیت، (۲) ذکر کل و اراده جزء؛ (۳) ذکر جزء و اراده کل؛ (۴) علاقه حال و محل یا ظرف و مظروف؛ (۵) ذکر محل و اراده حال؛ (۶) علاقه لازمیت؛ (۷) علاقه ملزومیت؛ (۸) علاقه سبب و اراده مسبب؛

۹) علاقه عموم و خصوص؛ ۱۰) علاقه جنس؛ ۱۱) علاقه قوم و خویش؛ ۱۲) علاقه مجاورت؛ ۱۳) علاقه تضاد؛ ۱۴) علاقه شباهت.

مولد داور موسی کف عیسی صفت است که نسیم سحری خرم و عیسی دم از اوست (۷۸)
 کف عیسی؛ مجاز به علاقه جزء و کل
 زبانم بسته کز عشق فسون ساز
 زبانم؛ مجاز به علاقه آلت / عشق فسون؛ مجاز به علاقه
 لازمیت. لازمه عشق فسون است.

ای همنفس زیار شود درد دل علاج بیمار عشق ز را به مداوا چه احتیاج است (۸۵)
 ای همنفس مجاز از معشوق، علاقه عموم و خصوص / دل و یار مجاز سببیه، یار سبب علاج دل میشود.
 بیمار عشق؛ مجاز به علاقه لازمیت؛ لازمه عشق بیماری است.

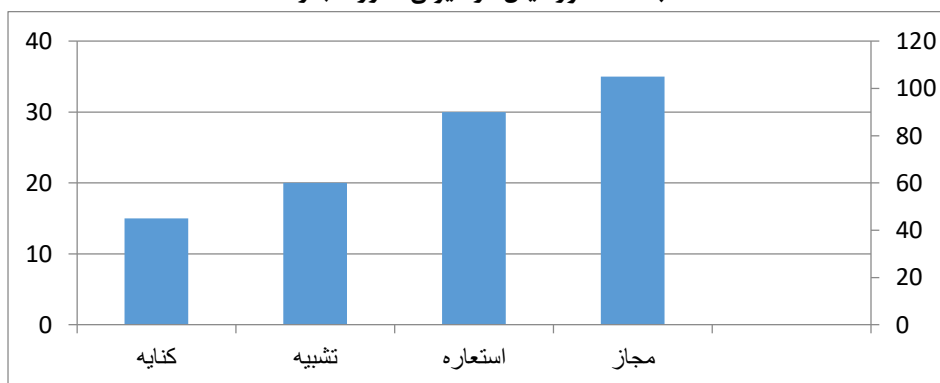
جهان مثال دکانی است پر از زینت و زر از این دکان نبرد کس جز از زبان ای شیخ (۸۹)
 زینت و زر؛ مجاز به علاقه جنس

نمودی چون پری رخسار و رفتی بیا دیوانه بین فرزانه‌ای چند (۹۰)
 پری؛ مجاز به علاقه شباهت

دلم از مسجد و از سبچه بگرفت خوشا میخانه و پیمان‌های چند (۹۰)
 مسجد و میخانه مجاز به علاقه محل و حال
 سبچه و پیمان‌ها مجاز به علاقه حال و محل

خاور قاجار بمنظور ساختن تصاویر شعر از انواع مجاز بهره برده است. مهمترین مجازهایی که وی از آنها استفاده کرده است عبارت است از جزئیه، آلت، جنس، شباهت، ماکان، مایکون، محلیه. در این میان بسامد مجاز به علاقه جزء و کل بیش از سایر مجازها است. توجه خاور قاجار به مجاز به علاقه جزئیه نشان از ذهن جزئی‌نگر او است. جدول ذیل بسامد انواع صور خیال در دیوان خاور قاجار را نشان میدهد که از میان صور خیال مجاز با میانگین حدود ۳۵٪ درصد از کل صور خیال بالاترین بسامد و بعد از آن استعاره بیشترین فراوانی را دارد.

بسامد صور خیال در دیوان خاور قاجار



نتیجه‌گیری

شاهزاده حیدرقلی میرزا- خاور قاجار- فرزند فتحعلیشاه قاجار یکی از شاعران نا شناخته قرن سیزدهم است که به شیوه شاعران دوره بازگشت به شاعری پرداخته است. مدح و نوحه اهل بیت، بخصوص امام حسین در اشعار این شاعر موج میزند. بگونه‌ای که ۲۷ نوحه در دیوان او به مداحی اهل بیت اختصاص داده شده است. در دیوان این شاعر تقلید تمام و کمال از اشعار حافظ دیده میشود. عرفان وی تقلیدی است، بگونه‌ای که بسیاری از اصطلاحات عرفانی سنایی و حافظ را در دیوان خود عیناً تکرار نموده است. گاهی اشعار او رنگ‌وبوی اشعار خاقانی، سنایی و وحشی بافقی پیدا میکنند. علیرغم اینکه هدف خاور قاجار از سرودن غزلیات تقلید و نظیره‌گویی از حافظ بوده است اما متأسفانه نتوانسته در سرایش خود توفیق زیادی کسب کند.

این نسخه خطی در قالبهای متفاوتی چون غزل، قصیده، قطعه، مستزاد، مربع، مخمس، مثنوی و رباعی سروده شده است و در میان این قالب شعری غزل پرسامدترین قالب شعری محسوب میشود. در بخش زبانی، تکرار پرسامدترین آرایه موسیقی درونی است و ایهام نیز در حوزه موسیقی معنوی جایگاه برتر را داراست. انتخاب اوزان متناسب با مفهوم و بکارگیری ردیفهای فعلی موجب کمال مفهوم قافیه شده است. عیوب قافیه در اشعار او بندرت دیده میشود. در سطح ادبی نیز مجاز و پس از آن انواع استعاره، بالاترین بسامد را دارا هستند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان استخراج شده است. آقای دکتر حسین آذرپیوند راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زهرا مداحی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سعید خیرخواه نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Fayyaz Manesh, Parand. (2005). Another look at the music of poetry and its connection with the subject, imagination and poetic feelings, *research on the language of Persian literature, new period*, vol. 4, pp. 163-186.
- Fotuhi, Mahmoud. (2011). *Stylistics, Theories, Approaches and Methods*, Tehran: Sokhan.
- Jamali, Shahrooz. (2004). Repetition of the basis of poetry music, *Kayhan Farhangi*, vol. 216, pp. 60-61.
- Mallah, Hossein Ali. (1997). *The link between music and poetry*, Tehran: Safa.
- Mohseni, Ahmad. (2003). *Row and music of poetry*, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1974). A Wisdom Window on the Great World (Some Points on Rumi's Worldview and the Emotional Field of Poetry), *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, No. 82, pp. 53-86.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1997). *Poetry music*, Tehran: Agah.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2008). *Images of Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirus. (2004). *Expression and meanings*, Tehran: Ferdows.
- Tajlil, Jalil. (1997). *Meanings and expression*, Tehran: Maziar.

فهرست منابع فارسی

- پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی (۱۳۶۷). تهران: صفا.
- تکرار اساس موسیقی شعر، جمالی، شهرزاد، (۱۳۸۳). کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، صص ۶۰-۶۶.
- ردیف و موسیقی شعر، محسنی، احمد، (۱۳۸۲). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- روزنه‌ای خرد بر جهانی بزرگ (چند نکته درباره جهانبینی مولانا و حوزه عاطفی شعر) شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۳). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۸۲، صص ۵۳-۸۶.
- سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، (۱۳۹۰). تهران: سخن.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۷). تهران: آگاه.
- معانی و بیان، تجلیل، جلیل، (۱۳۷۶). تهران: مازیار.
- معانی و بیان، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳). تهران: فردوس.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰). تهران: آگاه.

دیوان خاور قاجار و ویژگیهای سبک او / ۱۳۳

نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع، تخیل و احساسات شاعرانه، فیاض منش، پرند، (۱۳۸۴). پژوهش
زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۴، صص ۱۶۳-۱۸۶.

معرفی نویسندگان

زهرا مداحی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: zahramadahi11@yahoo.com)

حسین آذرپیوند: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: hossein_azarpeyvand@yahoo.com : نویسنده مسئول)

سعید خیرخواه: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: s.kherirkhah92@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Zahra Madahi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: zahramadahi11@yahoo.com)

Hossein Azarpeyvand: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: hossein_azarpeyvand@yahoo.com : Responsible author)

Saeed Khairkhah: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: s.kherirkhah92@gmail.com)